

مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

عنوان مقاله:

**بررسی تحلیلی حمایت‌های خداوند از زن در آیات طلاق براساس حق مداری و فطرت انسانی
(از منظر برخی مفسران معاصر شیعه)**

پژوهشگر:

اعظم رحیمی

چکیده^۱

عدم آگاهی از احکام توحیدی قرآن، همواره موجب اعتراض، ایجاد شبهه و در نهایت دستاویز دشمنان دین و قرآن گردیده است. برخی براین نظر هستند که خداوند در قرآن کریم از مردان حمایت کرده است؛ بنابراین رفع شبهه حمایت از مردان با آیات طلاق، علاوه بر تبیین حکمت اوامر الهی، رویکرد بیشتر نسبت به قرآن و ثبات عقیده را به دنبال خواهد داشت. ره آوردهای تحقیق، با بررسی کیفی مبتنی بر تحلیل آیات طلاق، از جمله حمایت‌های امنیتی، حیثیتی و مالی از زنان و وضع فرامین بر مبنای حق و فطرت انسانی و رحمت و مودت الهی است.

کلید واژه: حمایت، طلاق، حق، فطرت، انسان، تکلیف.

^۱اعظم رحیمی، دانش آموخته مدرسه اسلام شناسی حضرت زهرا (س) - کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق
Am.rahimi۲۲@gmail.com

۱. طرح مسئله

نگاهی به موضوعات مهم جهانی در دهه‌های اخیر، نشان می‌دهد که مسائل مربوط به زن، در ردیف نخست قرار داشته و سیر مطالعات مربوط به این صنف، پرشتاب گشته است. فلاسفه، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، عرفا، هنرمندان، سیاست‌مداران، علمای تعلیم و تربیت و... هر یک از منظر ویژه خود به «زن» نگاه کرده و از او حربه‌ای علیه حق یا باطل ساخته‌اند، شاید کمتر پدیده‌ای را به توان یافت که این‌گونه مورد سوءاستفاده قرار گرفته باشد. برخی قدرت‌های سودجو «حمایت از زنان» را اسلحه‌ای برای حق ستیزی و اسلام هراسی قرار داده‌اند.

عده‌ای برای دست یافتن به این هدف، با رویکرد غیرعلمی به قرآن و برداشت‌های سطحی و سخیف از آیات وزین این کتاب آسمانی و با استفاده از جهل و ناآگاهی مردم به ویژه برخی از زنان، زمینه تاخت و تاز به اسلام و قرآن را فراهم می‌کنند. یکی از موارد دستاویز افراد غیرمنصف، «آیات طلاق» در قرآن کریم است و این‌گونه سخن‌پراکنی کرده‌اند که در اسلام به ویژه قرآن، خداوند حامی مردان بوده است و احکام و قوانین موجود در آن و از جمله آیات طلاق، بزرگ‌ترین نشانه بر حمایت از جنس مذکر است. حال آن که در دیدگاه قرآنی، زن موجودی است که از نظر فطرت و شخصیت حقیقی با مرد مشترک بوده و وضع قوانین و احکام قرآن نیز بر اساس پایه‌های استوار و مبانی محکم توحید الهی است.

عالمان گذشته مباحث و مسائل زمان خود را به خوبی منقح کردند، امروزه نیز لازم و ضروری است که مناقشات جدید بر مبنای تعالیم دین به درستی تنقیح و پاسخ داده شود و همان‌گونه که با سلاح قدیم نمی‌توان در مقابل ابزارهای پیشرفته روز مقاومت کرد، برای شبهات جدید نیز باید با به‌روز کردن و کارآمد نمودن مباحث دینی، با سؤالات رو به رو شد و آن‌ها را پاسخ داد. با بررسی منابع و مقالات، نگاشته‌ای در موضوع مورد پژوهش نگارنده با رویکرد مقاله‌ای حاضر یافت نشد؛ البته در تفاسیر و منابع موجود، به بررسی آیات طلاق و احکام آن به‌طور مفصل پرداخته شده است. از آنجا که هدف این نوشتار، بررسی تحلیلی آیات طلاق بر اساس حق مداری و مطابق فطرت انسانی بوده، به نظر می‌رسد که نگارش پیش رو، کار جدیدی باشد. دست مایه پژوهش حاضر برای رسیدن به این مقصود، مراجعه به تفاسیر و آراء برخی مفسران بزرگ معاصر شیعه است. نوشته حاضر در پی پاسخ به سؤالات زیر تدوین گردیده است:

۱- آیا خداوند از زن در آیات طلاق حمایت کرده است؟

۲- حمایت‌های خداوند در آیات مذکور چگونه است؟

۳- آیا حمایت خداوند در آیات طلاق بر اساس نگاه حق مدارا نه بوده است؟

۴- محدوده حمایت‌های خداوند از زن در آیات طلاق چیست؟

۲. مفهوم شناسی

یکی از پایه‌های اساسی در هر مقاله، توجه به مفهوم شناسی واژه‌های کلیدی و پراهمیت است که در تبیین مطالب هر نوشتاری نقش اساسی دارد:

۱-۲- واژه «حق»؛ از ریشه «ح ق ق» به معنای ثبوت، ضد باطل و موجود ثابت است (طریحی، ۱۴۰۸: ج ۱/۵۴۵، فیومی، ۱۴۰۵: ج ۱-۲/۱۴۳)، وجود ثابتی که انکار آن روا نباشد، نیز به معنای وجود مطلق و غیر مقیدی که به هیچ قیدی تقیید نشده باشد، یعنی ذات اقدس باری تعالی آمده است. (تهانوی، ۱۹۹۶: ج ۱/۶۸۳) در اصطلاح عام، حکم مطابق با واقع را گویند که بر اقوال، عقاید، مذاهب و ادیان اطلاق می‌شود.^۲ در علم فلسفه، منطق، فقه، اصول، حقوق و دین، «حق» معنای خاصی دارد.

مفهوم حق در اصطلاح حقوق‌دانان؛ گفته‌اند: «حق قدرتی است متکی به قانون که صاحب آن می‌تواند با کمک گرفتن از قانون، آن را بستاند و یا از گرفتن دیگران مانع گردد» یا «حق قدرتی است که قانون به شخصی عطا کرده، یا نفعی که مورد حمایت قانونی است» (موحد، ۱۳۸۱: ۴۴).

- مفهوم حق در قرآن؛ حق به معنای عام به‌کاررفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

ا- حق در مقابل باطل: «جاء الحق و زهق باطل» (اسرا/۸۱) حق آمد و باطل نابود شد.

ب- حق در مقابل ضلالت و گمراهی: «فما ذا بعد الحق الا الضلال» (یونس/۳۲) پس بعد از حقیقت جز گمراهی چیست؟

ج- حق در مقابل هوا: «ولواتبع الحق أهوائهم...» (مؤمن/۷۱) و اگر حق از هوس‌های آن‌ها پیروی می‌کرد، قطعاً آسمان و زمین تباه می‌شد (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۹). واژه حق مدارای، یعنی بر اساس و محور حق بودن.

۲-۲- واژه «تکلیف»؛ از ریشه «کلف» به معنای امر کردن به چیزی است که انجام آن دشوار باشد (رک: مسعود، ۱۳۸۳: ج ۱/۵۲۶) و در اصطلاح، بر تکلیف به فرمان الهی، دین اطلاق می‌شود و نیز خطاب الهی را گویند که متعلق به افعال بندگان است (لاهیجی، ۱۳۷۲: ۳۴۶-۳۴۷) و همچنین موظف کردن در مقابل تعالیم الهی و تبعیت از امر و نهی پروردگار است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۳۸).

۳-۲- واژه «قانون»؛ مجموعه قراردادهای اجتماعی را که برای ساختار امور عامه تنظیم می‌گردد «قانون» می‌نامند. قانون در جوامع دینی، همان تعالیم و احکام وحیانی است که تحت عنوان شرع مقدس بر انبیاء ابلاغ شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۴۴).

^۲ - در فرهنگ لغت «Webster» کلمه حق «Right» به معنای مطابق عدالت، قانون، اخلاق و چیزی آمده که شخص به درستی ادعای آن را دارد.

۲-۴- واژه «دین»؛ به مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی گفته می‌شود که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد. پس دین دارای سه عنصر عقاید، اخلاق و احکام است که فقدان یکی از آن‌ها موجب نقصان در معنا و مفهوم دین است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۱۱).

۲-۵- واژه «فطرت»؛ بر وزن «فَعْلَة» است که دلالت بر نوع ویژه می‌کند و در لغت به معنای سرشت و نحوه خاصی از آفرینش و خلقت است و با «طبیعت» و «غریزه» فرق می‌کند. «فطرت» بینش شهودی انسان به هستی محض و گرایش آگاهانه و کشش شاهدانه و پرستش خاضعانه نسبت به حضرت حق است؛ یعنی فطرت، نحوه خاصی از آفرینش است که حقیقت آدمی به آن نحو سرشته و جان انسانی به آن شیوه خلق شده است. فصل اخیر^۳ انسان که همان هستی ویژه «مطلق بینی» و «مطلق خواهی» او را تشکیل می‌دهد، فطرت است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۵، گروه پژوهشی جامعه الزهرا (س)، ۱۳۹۵: ۷۳-۷۴).

۲-۶- واژه «معروف»؛ یعنی شناخته شده و پسندیده و عملی است که هرگاه مردم مطابق با فطرت خود عمل کنند آن را می‌شناسند (طباطبایی، بی‌تا: ج ۴/۱۸). آیه «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء/۱۹)، یک اصل آسمانی قرآنی برای زندگی اجتماعی زن است و مبنای احکام و حقوق مربوط به زن محسوب می‌شود (طباطبایی، بی‌تا: ج ۴/۱۹، ج ۸/۷۵).

۲-۷- واژه «حمایت»؛ یعنی نگهداری، دستگیری، حفاظت، یاری، نصرت، تقویت، هواداری و طرفداری (دهخدا، ج ۶/۷۷: ۸۰).

۲-۸- واژه «طلاق»؛ اصل در معنای "طلاق" آزاد شدن از قیدوبند است ولی به عنوان استعاره در رها کردن زن از قید ازدواج استعمال شده، و در آخر به خاطر کثرت استعمال، حقیقت در همین معنا گشته است (طباطبایی، ج ۲/۳۴۵).

۲-۹- واژه «عده»؛ عِدَّة از ریشه «ع د د» به معنای گروه و شمار است. (مسعود، ۱۳۸۳: ج ۲/۱۱۷۰) در اصطلاح فقهی، مدت زمان معینی است که زن پس از جدایی از شوهر و یا کسی که به اشتباه با وی آمیزش کرده، باید صبر کرده و تا پایان آن مدت ازدواج نکند. چون زن باید روزهایی را بشمارد تا زمان ممنوعیت ازدواج و سایر احکام این مدت پایان یابد «عده» نام گرفته است (بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۲۳/۲۶۶).

۲-۱۰- واژه «انسان»؛ معنای لغوی انسان، برخی آن را برگرفته از ریشه «انس» یعنی خو گرفتن، مهربانی و بعضی از ریشه «نسیان» به معنای فراموش کردن، از یاد بردن دانسته‌اند (جبران مسعود، ۱۳۸۳: ج ۱/۳۰۴). از ریشه انس به این معنا آمده که او کون جامع یعنی انسان جامع جمیع عوالم و خلیفه خداست، زیرا انسان مجمع و مظهر اسما است. در معنای اصطلاحی انسان، آنچه از قرآن کریم به دست می‌آید این است که انسان «حی متألّه» است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۸۰-۸۱).

^۳ - فصل اخیر، تمام فصل‌های قریب و بعید را دربر دارد.

مهریه کم سفارش شده است هرچند قرار دادن مهر زیاد، جایز است ولی آنچه کانون خانواده را گرم و پایدار نگه می‌دارد، صفا و صمیمیت، مودت و رحمت است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۱۸/۱۸۸).

اصل «المطلقة الرجعية زوجة» که از نصوص به‌دست آمده و مورد پذیرش فقها است، ناظر بر حکم مهمی است که در طلاق رجعی، رابطه زن و شوهر به‌طور کامل گسیخته نیست؛ بلکه تمام احکام زوجیت به قوت خود باقی است (نجفی، ج ۴/۵۵). براین پایه، هر اثر یا حکم خاصی مانند نفقه و پوشاک و... که برای زوج است، طبق اصل مذکور برای زن، در عده طلاق رجعی ثابت است حتی ارث بردن زن از مرد در این ایام نیز بیان شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۱۱/۲۵۹).

یکی دیگر از موارد حمایتی قرآن، در باره زن مطلقه‌ای است که فرزند شیرخوار دارد. پدر کودک، تا دو سال یا کمتر از آن - که مادر، نوزاد خود را شیر می‌دهد - هزینه‌های زندگی آن‌ها را عهده‌دار است مانند هزینه خوراک و پوشاک، در حد متعارف و به‌اندازه وسعش هزینه می‌کند. هرچند عده طلاق مادر به سر آمده باشد و چنانچه پدر کودک بمیرد، این هزینه بر عهده وارث او است. هیچ یک از والدین نباید به فرزندشان آسیب برسانند یا هریک به بهانه کودک، به دیگری زیان برسانند (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۱۱/۳۶۷). خدای متعال در آیات ۲۳۲ و ۲۳۱ بقره از طلاق سخن گفته که پیامدش جدایی پدر و مادر و بی‌سامان شدن کودکان شیرخوار است و چه بسا در کشمکش والدین، کودکان تباه گردند و برای رعایت مصلحت این کودکان بی‌سرپرست، وظیفه هریک از پدر و مادر در این باره بیان شده است (الزحیلی، وهبه، ۱۴۱۹: مجلد ۱ و ۲/۳۵۸ - جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۱۱/۳۷۱). خدای متعال با این دستورات حکیمانه و عطفانه می‌خواهد زن با دغدغه کمتری به تغذیه و تربیت کودک خود بپردازد و تا حد امکان از آسیب‌های بعد از طلاق جلوگیری شود. خداوند متعال در آیه شریفه «وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (بقره/۲۴۱) می‌فرماید: و برای زنان مطلقه، هدیه مناسبی لازم است که از طرف (شوهر پرداخت گردد) این حقی بر مردان پرهیزکار است. این حکم در مورد زنانی است که مهریه برای آن‌ها در هنگام عقد، قرار داده نشده و قبل از آمیزش، طلاق داده می‌شوند و در حقیقت تأکیدی است بر حکم هدیه دادن، تا مورد غفلت قرار نگیرد، این احتمال نیز وجود دارد که حکم هدیه مناسب دادن، همه زنان مطلقه را شامل می‌شود منتها در مورد زنی که مهری برای او هنگام عقد قرار داده نشده و قبل از آمیزش طلاق داده می‌شود جنبه واجب دارد و در موارد دیگر مستحب باشد به هر حال در اسلام یکی از دستورهای کاملاً انسانی است که وارد شده و برای پیشگیری از انتقام‌جویی‌ها و کینه‌توزی‌های ناشی از طلاق اثر مثبتی دارد. طبق روایاتی که از ائمه معصومان (ع) نقل شده، این هدیه بعد از پایان عده و جدایی کامل پرداخت می‌شود نه در عده طلاق رجعی و به تعبیر دیگر هدیه خداحافظی است نه وسیله‌ای برای بازگشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ج ۲/۲۱۵ - جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۱۱/۴۵۶). جریان کاربردی آیه با ذکر تقوا جهت تأمین رضایت زنی که به مبعوض‌ترین حلال مبتلا شده کاملاً مشهود است مگر در مورد طلاق خلع که زن از مرد انزجار و نفرت دارد و از تمام مهر و مانند آن چشم می‌پوشد (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۱۱/۵۲۰).

آیات قرآن در مورد حمایت مالی از زنان مطلقه

۱. آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَعَهُنَّ وَسَرَخُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا» (احزاب/۴۹) که مخصوص زن مطلقه مباشرت نشده است و از جهت مهر، مطلق است؛ خواه برای آنان مهری معین شده یا نشده باشد.
۲. آیه «لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَتَعْتَدُوا عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدْرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ» (بقره/۲۳۶).
۳. هرزنی که طلاق می‌گیرد، حقی بر شوهر دارد که باید وی را تمتیع کند.

نتیجه این سه طایفه آیه به کمک سایر آیاتی که دلالت دارند که اگر با زن آمیزش شد باید به او مهرداد این خواهد شد:

الف- اگر هنگام عقد مهریه معین شود و زن پس از مباشرت طلاق گیرد باید همه‌ی مهر معین شده «مهر مسما» را به او بدهند.

ب- اگر مهریه معین نگردد و بعد از مباشرت طلاق بگیرد باید همه‌ی مهر مثل را به او بدهند.

ج- اگر برای زن مهریه معین شود و قبل از مباشرت طلاق گیرد، مرد نصف «مهر مسما» را باید بدهد.

د- اگر برای زن مهر معین نشود و قبل از مباشرت طلاق گیرد متاع دادن (هدیه مناسب)، واجب است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۱۱/۵۱۸-۵۱۷). با ملاحظه موارد چهارگانه، از زن مطلقه در همه شرایط و حالات طلاق، حمایت مالی شده است ولیکن در گذشته و حال در بیشتر موارد حق این قشر از زنان جامعه پرداخت نشده بلکه فراتر، مورد ظلم و ستم نیز قرار گرفته‌اند.

نتیجه

۱- دقت و ظرافتی که در بیان احکام زنان مطلقه و حقوق آن‌ها در آیات طلاق و آیاتی که غیر صریح به این موضوع پرداخته، به کار رفته است و حتی بسیاری از ریزه‌کاری‌های این مسئله، در آیات قرآن، که در حقیقت قانون اساسی اسلام است، بازگو شده، دلیل روشن بر اهمیتی است که اسلام برای نظام خانواده و حفظ حقوق زنان و فرزندان قائل گردیده است.

۲- احکام طلاق در آیات، تا آنجا که ممکن است از مبغوض‌ترین حلال جلوگیری می‌کند و ریشه‌های آن را می‌خشکاند، اما هرگاه کار به بُن بست کشید و چاره‌ای جز طلاق و جدایی نبود اجازه نمی‌دهد حقوق فرزندان و زنان در

این کشمکش پایمال گردد حتی طرح جدایی را طوری می‌ریزد که امکان بازگشت غالباً وجود داشته باشد. دستوراتی مانند امساک و جدایی به معروف، عدم زیان و ضرر و تضییق و سخت‌گیری نسبت به زنان و همچنین مشاوره شایسته برای روشن ساختن سرنوشت کودکان و مانند این‌ها در آیات طلاق همگی گواه به این معنا است.

۳- عدم آگاهی بسیاری از مسلمانان از این امور و یا عدم عمل به آن در عین آگاهی سبب شده است که در هنگام جدایی و طلاق مشکلات زیادی برای خانواده‌ها و مخصوصاً فرزندان به وجود آید و این به خاطر این است که مسلمانان از چشمه فیض بخش قرآن دور مانده‌اند. مثلاً با این که قرآن با صراحت می‌گوید زنان مطلقه نباید دوران عدّه از خانه شوهر بیرون روند و شوهر حق ندارد آن‌ها را بیرون بفرستد، اگر دستور قرآن انجام بشود امید بازگشت غالب زنان به زندگی زناشویی بسیار زیاد است. اما کمتر زن و مرد مسلمانی را پیدا می‌کنید که بعد از جدایی و طلاق به این دستور اسلامی عمل کنند و این به‌راستی مایه تأسف است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ج ۲۴ / ۲۵۲-۲۵۱).

۴. رعایت عدل، در جامعه پسنیدیده است ولی در موارد استیفای حق فردی، عفو بالاتر از عدل است و خداوند به همگان دستور داده است که در روابط اجتماعی به ویژه در زمان حساس طلاق که ممکن است زمینه انتقام پدید آید، بخشش داشته باشند و تفضل و بردباری را در بین خود فراموش نکنند (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۱۱/ ۴۵۳) «... أَنْ يَغْفُونَ أَوْ يَغْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ» (بقره/۲۳۷).

۵. «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (بقره/۲۳۸ و ۲۳۹)، قرارگرفتن آیات حفظ بر نماز، بین آیات نکاح و طلاق، بیان‌کننده این حقیقت است که اشتغال به مسائل حقوقی مانند ازدواج و طلاق و دیگر امور خانوادگی، نباید انسان را از عمود دین غافل کند، زیرا نماز روابط خانوادگی را بر اساس صحیح سامان می‌بخشد (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۱۱/ ۴۶۲). و نماز گذار را در مشکلات و سختی‌های زندگی، حفظ از وسوسه‌های شیطان و... یاری می‌کند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره/۱۵۳) ضایع کردن نماز، نشانه جهالت است و سبب می‌شود که انسان به دام شهوت‌ها و گناهان دیگر افتاده و هدف آفرینش خود را گم کند... «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا» (مریم/۵۹- جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۱۱/ ۴۶۲).

۶. استفاده از انذار همراه با تبشیر (ترساندن و بشارت دادن)، از روش‌های رایج قرآن کریم برای تربیت و پرورش انسان‌ها است که در کتب عادی یافت نمی‌شود. این روش قرآن در آیات طلاق هم کاملاً مشهود است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۱۱/ ۵۹۷).

۷. تمام دستورات قرآن به ویژه آیات طلاق بر اساس حق، مطابق فطرت و سرشت انسانی و عقلانیت تشریع شده است که اجرای آن‌ها موجب سعادت دنیا و آخرت افراد و باعث استعلاّی آدمی می‌باشد.

منابع و مآخذ

۱. بحرانی، شیخ یوسف، الحقائق الناظرة فی احکام العترة الطاهرة، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۲. تهانوی، محمدعلی، کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، چاپ اول، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، ۱۹۹۶م.
۳. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، جلد هجدهم، چاپ سوم، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۹۰ش.
۴. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، جلد پانزدهم: حیات حقیقی انسان در قرآن، چاپ اول، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۲ش.
۵. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، جلد دوازدهم: فطرت در قرآن، چاپ ششم، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۹۰ش.
۶. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، جلد هشتم: انسان به انسان، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۶ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف، چاپ دوم، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۵ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۷۸ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۱ش.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، نسبت دین و دنیا، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۱ش.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، جلد یازدهم، چاپ اول، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۵ش.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، جلد ششم، چاپ اول، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۱۳. الزحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیده والشریعه والمنهج، چاپ اول، دارالملاک، بیروت ۱۴۱۹ق.
۱۴. سیدین طاووس، اقبال الأعمال، چاپ اول، داراحجہ للشقافة، قم، ۱۴۱۸ق.
۱۵. طباطبایی یزدی، محمدکاظم، العروة الوثقی، چاپ یکم، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۲۰ق.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، جلد چهارم، قم، بی تا.
۱۷. الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، چاپ دوم، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، قم، ۱۴۰۸ق.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد حبیب قصیر العامدی، جلد سوم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۹. علامه حلّی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تصحیح آیت الله حسن زاده آملی، چاپ هفتم، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.
۲۰. فرهنگ لغت "Webster" (فرهنگ جهانی وبستر)، چاپ سوم، انتشارات گلشاهی، بی تا.
۲۱. فیومی، احمد، المصباح المنیر، دارالهجره، قم، ۱۴۰۵ق.
۲۲. قمی، ابوالحسن علی ابن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: سیدظیب موسوی جزائری، چاپ سوم، موسسه دارالکتب، قم، ۱۴۰۴ق.

۲۳. قیصری، داود بن محمد، شرح فصوص الحکم، تحقیق: دارالاعتصام، چاپ اول، منشورات انوار الهدی، قم، ۱۴۱۶ق.
۲۴. گروه پژوهشی جامعه الزهرا(س)، زن آیت حیات(با تأکید بر بازتاب فطرت در روابط چهارگانه انسان)، قم، ۱۳۹۵ش.
۲۵. لاهیجی، عبدالرحمن، شرح مواقف، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۴۱۵ق.
۲۶. لاهیجی، فیاض، گوهر مراد، تحقیق: زین العابدین قربانی، چاپ اول، وزارت ارشاد، تهران، ۱۳۷۲ش.
۲۷. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، چاپ پنجم، موسسه رسالت، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۲۸. مسعود جبران، الرائد، فرهنگ الفبایی عربی-فارسی، ترجمه: رضا انزابی نژاد، جلد یکم، چاپ چهارم، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۳ش.
۲۹. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، چاپ اول، مرکز نشر آثار العلامة المصطفوی، تهران، ۱۳۸۵ش.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد دوم، چاپ سی ام، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ش.
۳۱. موحد، محمدعلی، در هوای حق و عدالت از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، نشر کارنامه، تهران، ۱۳۸۱ش.
۳۲. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ هفتم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۳۳. واحدی، ابی الحسن علی ابن احمد، اسباب نزول القرآن، تحقیق: کمال بسیونی زغلول، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.